



## The Effectiveness of Teaching Philosophy to Children on Emotional Self-Awareness and Ethical Development of 9-12 Year Old Children

Pardis Sadat Mojtavavi<sup>1</sup> , Masomeh Behbodi<sup>2\*</sup> , Nasrin Bagheri<sup>3</sup> 

1. Phd student of Educational Psychology Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Roudhan Branch, Islamic Azad University, Roudhan, Iran. Email: [Pardismojtavavi95@gmail.com](mailto:Pardismojtavavi95@gmail.com)
2. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Roudhan Branch, Islamic Azad University, Roudhan, Iran. Email: [beboodi@riau.ac.ir](mailto:beboodi@riau.ac.ir)
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Roudhan Branch, Islamic Azad University, Roudhan, Iran. Email: [Na.bagheri@iau.ac.ir](mailto:Na.bagheri@iau.ac.ir)

### ARTICLE INFO ABSTRACT

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**  
Received: 24 May 2024  
Revised: 19 Aug 2024  
Accepted: 01 Sep 2024  
Published: 12 Mar 2026

**Keywords:**  
*Children, Emotional Self-Awareness, Ethical Development, Teaching Philosophy to Children*

The present study was conducted to investigate the effectiveness of teaching philosophy to children on emotional self-awareness and ethical development of 9-12 year old children. The current study was a semi-experimental application with a pre-test-post-test design with a control group and a two-month follow-up period. The statistical population of the research included children aged 9 to 12 who were studying in the fourth, fifth and sixth grades of primary school in the academic year of 2022-2023 in Tehran. In this research, 35 children aged 9 to 12 were selected by purposeful sampling and randomly assigned to experimental and control groups (18 children in the experimental group and 17 children in the control group). The children in the experimental group received the intervention of teaching philosophy to children during eight weeks in eight 75-minute sessions. Emotional Expressivity Scale for Children (EESC), Emotional Self-Awareness Questionnaire (EMSQ) and Ethical Development of Children and Adolescents Questionnaire (EDCAQ) were used in the present study. The data were analyzed through mixed ANOVA via SPSS23 software. The results showed that teaching philosophy to children has significant effect on the emotional self-awareness ( $p < 0.0001$ ,  $\eta^2 = 0.56$ ,  $F = 41.43$ ) and ethical development ( $p < 0.0001$ ,  $\eta^2 = 0.62$ ,  $F = 53.25$ ) in the 9-12 year old children. These results were stable in the follow-up phase. Based on the findings of the research, it can be concluded that teaching philosophy by introducing students to cooperation and thinking skills, improving communication and social responsibility, developing critical thinking and discovering cognitive and perceptive abilities can be used as an efficient method to improve emotional self-awareness and ethical development of children.

**Cite this article:** Mojtavavi, P. S., Behbodi, M., & Bagheri, N. (2026). The Effectiveness of Teaching Philosophy to Children on Emotional Self-Awareness and Ethical Development of 9-12 Year Old Children. *Journal of Applied Psychological Research*, (In Press/ Accepted). doi: 10.22059/japr.2026.376918.644932



**Publisher:** University of Tehran Press  
DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2026.376918.644932>

© The Author(s).



## اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال

پردیس سادات مجتبی‌وی<sup>۱</sup>، معصومه بهبودی<sup>۲\*</sup>، نسرين باقری<sup>۳</sup>

۱. گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. [Pardisnojtabavi95@gmail.com](mailto:Pardisnojtabavi95@gmail.com)

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. [beboodi@riau.ac.ir](mailto:beboodi@riau.ac.ir)

۳. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. [na.bagheri@iaou.ac.ir](mailto:na.bagheri@iaou.ac.ir)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال انجام شد. پژوهش حاضر کاربردی، از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و دوره پیگیری دوماهه بود. جامعه آماری پژوهش شامل کودکان ۹ تا ۱۲ سال بود که در پایه چهارم، پنجم و ششم دبستان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در شهر تهران مشغول به تحصیل بودند. در این پژوهش تعداد ۳۵ کودک ۹ تا ۱۲ سال با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با شیوه تصادفی در گروه‌های آزمایش و کنترل جایدهی شدند (۱۸ کودک در گروه آزمایش و ۱۷ کودک در گروه کنترل). کودکان حاضر در گروه آزمایش مداخله آموزش فلسفه به کودکان را طی هشت هفته در هشت جلسه ۷۵ دقیقه‌ای دریافت نمودند. در این پژوهش از مقیاس ابرازگری هیجان کودکان (EESC)، پرسشنامه خودآگاهی هیجانی (ESAQ) و پرسشنامه رشد اخلاقی کودکان و نوجوانان (EDCAQ) استفاده شد. داده‌های با تحلیل واریانس آمیخته با استفاده از نرم افزار آماري SPSS23 تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان بر خودآگاهی هیجانی ( $P < 0.001$ ;  $\eta^2 = 0.56$ ); رشد اخلاقی ( $F = 41.43$ ) و رشد اخلاقی ( $F = 53.25$ ;  $\eta^2 = 0.62$ ;  $P < 0.001$ ) کودکان ۹ تا ۱۲ سال تأثیر معنادار دارد. این نتایج در مرحله پیگیری نیز پایدار بود. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت که آموزش فلسفه با آشنایی کودکان با مهارت‌های همکاری و تفکر، بهبود ارتباطات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رشد تفکر انتقادی و کشف توانایی‌های شناختی و ادراکی می‌تواند به عنوان یک روش کارآمد جهت بهبود خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان مورد استفاده قرار گیرد.

### نوع مقاله:

پژوهشی

### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۱

### کلیدواژه‌ها:

آموزش فلسفه به کودکان، خودآگاهی هیجانی، رشد اخلاقی، کودکان

استناد: مجتبی‌وی، پ.س.، بهبودی، م.، و باقری، ن. (۱۴۰۴). اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال.

فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، (مقاله پذیرش شده). doi: 10.22059/japr.2026.376918.644932

ناشر: انتشارات دانشگاه

© نویسندگان.

تهران



DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2026.376918.644932>

## ۱. مقدمه

نگرانی در مورد سلامت روانی و اخلاقی کودکان و تاثیر آن بر رشد و عملکرد کودک، همزمان با افزایش میزان شیوع اختلالات روانی قابل تشخیص، در سال‌های اخیر به طور چشم‌گیری افزایش یافته است (وانگ و همکاران، ۲۰۲۳) و بر همین اساس متخصصان بر اهمیت ارزیابی و درمان به موقع اختلال‌های روان‌شناختی تاکید می‌کنند (می و همکاران، ۲۰۲۳). به علت اینکه الگوهای هیجانی و رفتاری در بزرگسالی دشوارتر تغییر می‌کنند، تشخیص هر چه زودتر مشکلات سلامت روان در کودکی یکی از مسایل پیشگیرانه بهداشت همگانی است (بروفسکی و همکاران، ۲۰۲۳). بررسی تاریخچه بزرگسالانی که دچار مشکلات روانی هستند، نشان داده است که این افراد دوران کودکی نابسامانی داشته یا در دوره‌ای از رشد خود، برخی آشفتگی‌های هیجانی و رفتاری را تجربه کرده‌اند (اوزدمیر و همکاران، ۲۰۲۲). از آنجائی که گرایش به تداوم اختلالات روانی، هیجانی و اخلاقی دوران کودکی تا سنین بزرگسالی وجود دارد، توجه فزاینده‌ای به پیشگیری و درمان آنها شده است (والیس و همکاران، ۲۰۲۰). دوران کودکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی می‌شود و شکل می‌گیرد. اغلب اختلالات و ناسازگاری‌های رفتاری پس از این دوران ناشی از کمبود توجه به دوران حساس کودکی و عدم هدایت صحیح در روند رشد و تکامل است (شوای و همکاران، ۲۰۲۳). یکی از متغیرهایی که می‌تواند در رشد و تحول بهنجار کودکان ایفای نقش نماید، هوش هیجانی<sup>۷</sup> و به شکلی اختصاصی‌تر خودآگاهی هیجانی<sup>۸</sup> است (سان و همکاران، ۲۰۱۹).

خودآگاهی در تصمیم‌گیری‌های مهم و سرنوشت‌ساز زندگی نقش بسیار حیاتی دارد و در سازماندهی هیجان‌ها و مقابله با استرس‌های روزمره زندگی تاثیر چشمگیری دارد. خودآگاهی یعنی بررسی واقع‌گرایانه باورها، ارزش‌ها، احساسات و هیجان‌ها و استفاده از آنها در تصمیم‌گیری‌ها به گونه‌ای که به نفع خود و روابط با دیگران باشد. بنابراین خودآگاهی سبب می‌شود افراد ویژگی‌های اصلی شخصیت خود مانند افکار، باورها، هیجان‌ها، ارزش‌ها و نقاط ضعف و قوت خویش را کشف نماید و در جهت مدیریت آنها کوشش کند (هاگینس و همکاران، ۲۰۲۰). کودک با برخورداری از خودآگاهی هیجانی به زندگی خود نظم و ثبات می‌بخشد. بنابراین افرادی که از خودآگاهی و مهارت‌های هیجانی برخوردارند، احساسات خود را بخوبی شناخته و هدایت می‌کنند و احساسات دیگران را نیز درک کرده و به روشنی و اثربخش با آن برخورد می‌کنند و در هر حیطه‌ای از زندگی ممتازند (لی و همکاران، ۲۰۱۹). آنچه مسلم است این است که خودآگاهی هیجانی، کودکان و نوجوانان را در هر شرایطی که با مشکل مواجه شوند یاری می‌دهد، به گونه‌ای که آنها به یک توانایی روانی اجتماعی دست می‌یابند و بدین‌گونه می‌توانند چالش‌ها و مشکلات هویتی خود را حل کنند. به همین جهت این مهارت در هر سطحی و هر شرایطی که کودکان و نوجوانان قرار دارند، تأثیرگذار است، زیرا علاوه بر افزایش دانش و آگاهی نوجوانان، می‌تواند در تغییر نگرش منفی و ایجاد نگرش مثبت در آنها نیز تأثیرگذار بوده و آنها را برای زندگی سالم‌تر آماده کند (بارونسی و همکاران، ۲۰۱۸).

در کنار توجه به فرایندهای هیجانی کودکان، یکی از اصلی‌ترین مفاهیم مورد توجه پژوهشگران و برنامه‌ریزان حوزه رشد و تحول بهنجار کودکان، زمینه‌های اخلاقی همانند رشد اخلاقی<sup>۱۳</sup> است (امینی مقدم و همکاران، ۱۳۹۷). این در حالی است که توجه به

1. Wang et al
2. Mei et al
3. Borowski et al
4. Özdemir et al
5. Vallis et al
6. Shuai et al
7. Emotional Intelligence
8. Emotional self-awareness
9. Sun et al
10. Huggins et al
11. Lee et al
12. Baroncelli et al
13. Ethical developmental

رشد اخلاقی کودکان بهترین فرصت برای قرار دادن آنها در مسیر درست است تا بتوانند علاوه بر درست فکر کردن، درست هم عمل کنند (تربیتی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰). رشد اخلاقی به این نکته اشاره دارد که افراد به صورت ذاتی، اخلاقی و یا غیراخلاقی به دنیا نمی‌آیند، بلکه یاد می‌گیرند که چگونه خوب باشند. یادگیری برای خوب بودن شامل ارتباطات، بازخورد، جامعه‌پذیری و آموزش است که هرگز پایان‌پذیر نیست (پورسید و پورسید، ۱۴۰۰). رشد و بالندگی اخلاقی توان تشخیص درست از نادرست است؛ یعنی داشتن اعتقادات اخلاقی محکم و عمل کردن بر اساس آنها، به گونه‌ای که شخص رفتاری درست و محترمانه داشته باشد (پورتیمور و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). محققان دریافته‌اند شکل‌گیری رشد اخلاقی و گسترش آن از زمان کودکی نقشی بسیار حیاتی در شخصیت انسان‌ها دارد. زیرا کودکانی که به هر دلیل رشد اخلاقی کافی را کسب نکرده‌اند، در معرض خطرهای جدی قرار دارند. این کودکان به دلیل وجدان متزلزل، ضعف در مهار کردن امیال، رشدنیافتگی حساسیت‌های اخلاقی و باورهای که به گونه‌ای نادرست هدایت شده، تا حد زیادی به عقب افتادگی اخلاقی و اجتماعی دچار و در بزرگسالی به شخصیت‌های ناهنجار و ناموفق تبدیل می‌شوند. تقویت این بعد از دوران تحولی کودکی بهترین فرصت است که فرزندان در مسیر درست قرار داده شوند تا آنان بتوانند علاوه بر درست فکر کردن، درست هم عمل کنند (غلامی مطلق و همکاران، ۲۰۲۰).

روش‌های آموزشی مختلفی برای کودکان به کار گرفته شده است. اما یکی از روش‌های آموزشی که می‌تواند بر تفکر، ادراک و شناخت کودکان تأثیر گذاشته و زمینه را برای رشد و بالندگی شناختی و غیرشناختی آنان فراهم سازد، آموزش فلسفه به کودکان<sup>۲</sup> است که مطابق نتایج پژوهش جنسن<sup>۳</sup> (۲۰۲۳)؛ لام<sup>۴</sup> (۲۰۲۲)؛ هامبرتو و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۲۲)؛ مالبوئف- هارتابیسی و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۲۱)؛ ایسیکلار و اوزتارک<sup>۷</sup> (۲۰۲۱)؛ شیرزادی و همکاران (۱۴۰۰)؛ نویدیان و همکاران (۱۴۰۰) و دهقان منشادی و همکاران (۱۴۰۰) دارای کارایی بالینی موثر برای بهبود مولفه‌های شناختی، روان‌شناختی، هیجانی و اجتماعی کودکان است. این رویکرد آموزشی فرصتی برای تفکر و کندوکاو با همکلاسی‌ها را برای کودکان فراهم می‌سازد. طبق پیش‌فرض‌های موجود برنامه فلسفه برای کودکان، با بهبود مهارت‌های همکاری و تفکر که در این برنامه رشد و پرورش می‌یابند، سبب بهبود ارتباطات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر کودکان می‌شود (شیرزادی و همکاران، ۱۴۰۰). آموزش فلسفه به کودکان باعث بهبود و رشد تفکر انتقادی، خلاق، منسجم و ریزبینانه می‌شود. کودکانی که در این دوره‌ها شرکت می‌کنند مهارت تفکر در سطح بالاتر را فرا گرفته و قادر می‌شوند در صورت لزوم تغییر نگرش دهند (هامبرتو و همکاران، ۲۰۲۲). بدین ترتیب مهارت ارتباطی آنها بهبود و توانایی آنها برای رابطه با دیگران افزایش می‌یابد. برخی از مهارت‌های خاصی که بدین طریق در کودک پرورش می‌یابد، عبارت است از مهارت‌های شناختی، ارزیابی استدلال و روابط علی، خوداصلاحی، مهارت‌های همکاری، گوش دادن به سخنان دیگران، داشتن تفکر باز و روشن، نقد نظرهای دیگران همراه با احترام، اطمینان در ابراز خود، شادمانی از ارائه انتقاد و شادمانی در پذیرش و پاسخ به انتقاد (نویدیان و همکاران، ۱۴۰۰). برنامه آموزش فلسفه به کودکان نه فقط فرصت اکتشاف و تمرین توانایی‌های شناختی و ادراکی را برای کودکان فراهم می‌کند، بلکه زمینه کشف و ایجاد ارزش‌ها و ایده‌آلهایی را که از نظر آنها مهم و محترم باشند نیز به وجود می‌آورد (لام، ۲۰۲۲).

در خصوص ضرورت پژوهش حاضر می‌توان گفت کودکی اولین و مهم‌ترین دوره زندگی آدمی است. از آنجا که در این دوره ساختار شخصیتی و رفتاری انسان بنیان گذاشته می‌شود، دوران کودکی را دورانی سرنوشت‌ساز و مثبت دانسته‌اند. کوشش‌ها و تحقیقات فراوان دانشمندان نیز مؤید این مطلب است که تجارب سال‌های اولیه هر کودک در چگونگی تشکیل شخصیت و کمال

1. Pourteimour, Nobahar, Raiesdana
2. philosophy for children
3. Jensen
4. Lam
5. Humberto et al
6. Malboeuf-Hurtubise et al
7. Isiklar, Ozturk

نهایی وی بی‌نهایت تأثیرگذار است. طی این سال‌ها کودکان مراحل مهم و حساس زندگی خود را از جنبه‌های شخصیتی، اجتماعی و آموزشی پشت سر می‌گذارند. این در حالی است که رشد و تکامل انسان در دوره کودکی از نظر رشد اجتماعی، عاطفی، شناختی، یادگیری و اخلاقی دارای ویژگی‌هایی است که قسمتی از آنها می‌تواند کودک را از نظر سلامت روانی آسیب‌پذیر سازد. پاره‌ای از پژوهشگران با توجه بر درمان و آموزش زود هنگام این مشکلات در سنین پایین که خود نوعی پیشگیری محسوب می‌شود، نشان داده‌اند که اگر این مشکلات در سنین دبستان و در سال‌های ابتدایی کودکی شناسایی و درمان شود تا حد زیادی تخفیف می‌یابد و به بهبود عملکرد کودک در زمینه‌های مختلف منجر می‌شود. بر این اساس با توجه به نظر متخصصان روان‌شناسی مبنی بر مهم و حساس بودن این دوره سنی در شکل‌گیری بسیاری از صفات و ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان، و همچنین ساختار تغییرپذیر و قابل اصلاح این دوره تحولی، یادگیری مهارت‌ها و آموزش‌های مرتبط در این دوره ضروری است و عدم بهره‌گیری مناسب از فرصت‌ها و قابلیت‌های این دوره سنی، آسیب جدی هم به کودکان و هم به جامعه وارد می‌آورد. علاوه بر این در حوزه موضوع پژوهش حاضر خلا پژوهشی نیز احساس می‌شود. چنانکه با جستجو در پایگاه داده‌های علمی داخلی و خارجی مشخص شد که تاکنون پژوهشی با عنوان پژوهش حاضر انجام نشده است. بنابراین با توجه به موضوعات و تحقیقات بیان شده در مورد اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان در جهت بهبود وضعیت روان‌شناختی، شناختی و اخلاقی کودکان و از سوی دیگر با توجه به خلاء پژوهشی موجود به علت عدم وجود تحقیقات مشابه، هدف این پژوهش بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال است. فرضیه‌های پژوهش بدین صورت هستند:

۱. آموزش فلسفه به کودکان بر خودآگاهی هیجانی کودکان ۹ تا ۱۲ سال موثر است.

۲. آموزش فلسفه به کودکان بر رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال موثر است.

## ۲. روش

### ۱-۲. جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر کاربردی، از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه و دوره پیگیری دوماهه بود. جامعه آماری پژوهش شامل کودکان ۹ تا ۱۲ سال بود که در پایه چهارم، پنجم و ششم دبستان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در شهر تهران مشغول به تحصیل بودند. جهت انتخاب حجم نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. بدین صورت که یک منطقه آموزش و پرورش شهر تهران انتخاب (آموزش و پرورش منطقه ۳) و با مراجعه به ۵ دبستان دخترانه و پسرانه منطقه انتخاب شده، به دانش‌آموزان پایه چهارم، پنجم و ششم پرسشنامه ابرازگری هیجانی کودکان ارائه شد تا بدین وسیله دانش‌آموزانی که در ابرازگری هیجانی دچار مشکل هستند، مورد شناسایی قرار گیرند. سپس از بین کودکانی که با این پرسشنامه دارای نقص در ابرازگری هیجانی تشخیص داده شدند (کسب نمرات کمتر از ۵۰)، تعداد ۴۰ کودک را به ترتیب نمره کسب شده در پرسشنامه ابرازگری هیجانی انتخاب و به صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش و گواه جایگزین شدند (۲۰ کودک در گروه آزمایش و ۲۰ کودک در گروه گواه). جهت مشخص کردن تعداد حجم نمونه از نرم‌افزار G\*Power استفاده شد که تعداد نمونه حاضر در هر گروه ۲۰ کودک تعیین شد. میزان خطا نیز ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۰/۹۵ در نظر گرفته شده است. اندازه اثر نیز ۰/۹۹ به دست آمد. سپس کودکان حاضر در گروه آزمایش مداخلات آموزشی مربوط به آموزش فلسفه به کودکان را به صورت هفته‌ای یک جلسه دریافت نمودند. این در حالی بود که کودکان حاضر در گروه گواه هیچگونه مداخله‌ای را در طول پژوهش دریافت نکرده و در انتظار دریافت مداخلات حاضر بودند. پس از اتمام جلسات پس‌آزمون اجرا و برای اطمینان از ثبات نتایج، مرحله پیگیری نیز دو ماه بعد اجرا شد. پس از شروع مداخله تعداد ۲ کودک در گروه آزمایش و ۳ کودک در گروه گواه از ادامه حضور در پژوهش انصراف دادند. بر این اساس تعداد ۳۵ کودک در پژوهش باقی ماندند (۱۸ کودک در گروه آزمایش و ۱۷ کودک در گروه گواه). ملاک‌های ورود به پژوهش شامل کسب نمره کمتر از ۵۰ در پرسشنامه ابرازگری هیجانی کودکان، داشتن سن ۹-۱۲ سال (حضور در پایه

تحصیلی چهارم، پنجم و ششم)، رضایت کودک و والد جهت شرکت فرزند خود در پژوهش، نداشتن بیماری جسمی و روان‌شناختی حاد و مزمن (با توجه به پرونده سلامت و مشاوره‌ای آنان) و عدم دریافت مداخله روان‌شناختی همزمان بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل داشتن بیش از دو جلسه غیبت، عدم همکاری و انجام ندادن تکالیف مشخص شده در کلاس، عدم تمایل به ادامه حضور در فرایند انجام پژوهش و وقوع حادثه پیش‌بینی نشده موثر بود.

## ۲-۲. ابزارهای سنجش

۲-۲-۱. پرسشنامه خودآگاهی هیجانی (ESAQ)<sup>۱</sup>: پرسشنامه خودآگاهی هیجانی دارای ۳۳ است که توسط گرت و همکاران<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۲ ساخته شد که با یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (از هرگز تا خیلی زیاد) خودآگاهی هیجانی افراد را اندازه‌گیری می‌کند (مهنا و طالع‌پسند، ۱۳۹۵). به این صورت که گزینه کاملاً مخالفم نمره ۱؛ مخالفم نمره ۲؛ نه مخالفم و نه موافق نمره ۳؛ موافقم نمره ۴ و کاملاً موافقم نمره ۵ تعلق می‌گیرد. بر این اساس دامنه نمرات این پرسشنامه بین ۳۳ تا ۱۶۵ است. کسب نمرات بالاتر نشان دهنده خودآگاهی هیجانی بیشتر فرد است. گرت و همکاران (۲۰۰۲) میزان روایی محتوایی و پایایی این پرسشنامه را به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. در پژوهش مهنا و طالع‌پسند (۱۳۹۵) روایی محتوایی پرسشنامه توسط متخصصان تأیید شده است. همچنین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمده است (مهنا و طالع‌پسند، ۱۳۹۵). در پژوهش کافی‌نیا و فرهادی (۱۳۹۹) میزان پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ محاسبه شد. میزان پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۲ محاسبه شد.

۲-۲-۲. پرسشنامه رشد اخلاقی کودکان و نوجوانان (EDCAQ)<sup>۳</sup>: پرسشنامه رشد اخلاقی کودکان و نوجوانان توسط لطف‌آبادی و همکاران (۱۳۹۰) تدوین شده است. سوالات این آزمون در شش مقوله اخلاقی، و برای هر مقوله سه سوال داستانی، طراحی شده است. این شش مقوله اخلاقی عبارتند از: اخلاق زیست-محیطی<sup>۴</sup>، اخلاق فردی<sup>۵</sup>، اخلاق در مناسبات خانوادگی<sup>۶</sup>، اخلاق اجتماعی<sup>۷</sup>، اخلاق انسانی<sup>۸</sup> و اخلاق متعالی<sup>۹</sup>. هر یک از هجده سوال آزمون با یک یا چند مقیاس شش درجه‌ای (کاملاً مخالفم: نمره ۱ تا کاملاً موافقم: نمره ۶) قضاوت اخلاقی مورد سنجش قرار گرفته است. دامنه نمرات پرسشنامه بین ۱۸ تا ۱۰۸ است. کسب نمرات بالاتر نشان دهنده رشد اخلاقی بیشتر کودک و نوجوان است. روایی محتوایی پرسشنامه در پژوهش لطف‌آبادی و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از نظرات اساتید راهنما و مشاور، خوب ارزیابی و تأیید شده است. همچنین پایایی آن نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه گردید. آلفای این پرسشنامه بالای ۷۰ درصد بدست آمد که نشان دهنده پایایی قابل قبول این پرسشنامه می‌باشد (لطف‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰). پایایی پرسشنامه حاضر در این پژوهش به وسیله ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ محاسبه شد.

1. Emotional Self-Awareness Questionnaire
2. Grant et al
3. Ethical Development of Children and Adolescents Questionnaire
4. Bio-environmental ethics
5. Individual ethics
6. Ethics in family relationships
7. Social ethics
8. human ethics
9. High morals

۲-۳-۳. **مقیاس ابرازگری هیجان کودکان (EESC)** <sup>۱</sup> مقیاس ابرازگری هیجان کودکان توسط **پنزا- کلیو و زمین** <sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۲ با هدف ارزیابی ابرازگری هیجانی کودکان طراحی شد. این مقیاس دارای ۱۶ سؤال و ۲ خرده مقیاس آگاهی ضعیف<sup>۳</sup> (PA) و بی میلی در ابراز<sup>۴</sup> (ER) است. نمره گذاری این پرسشنامه استفاده از طیف لیکرت ۵ درجه ای است به این صورت که به پاسخ اصلاً درست نیست نمره ۱، کمی درست نمره ۲، تا حدی درست نمره ۳، خیلی درست نمره ۴ و بسیار درست نمره ۵ تعلق می گیرد. کمترین نمره ۱۶ و بیشترین نمره ۸۰ است. در این پرسشنامه نمره های بالا نشانگر مشکل در ابرازگری هیجانی است. در پژوهش **پنزا کلیو و زمین (۲۰۰۲)** پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش پایایی درونی ضریب آلفای کرونباخ برای عامل آگاهی ضعیف ۰/۸۳ و عامل بی میلی ۰/۸۱ و همچنین با استفاده از یک فاصله ۲ هفته ای ضریب پایایی آزمون بازآزمون برای آگاهی ضعیف ۰/۵۹ و بی میلی ۰/۵۶ بوده است. در پژوهش آنها برای بررسی روایی از روایی ملاکی استفاده شد و نتایج نشان داد بین ابعاد این مقیاس با مقیاس افسردگی کودکان، پرسشنامه اضطراب صفت کودکان و پرسشنامه جسمانی سازی کودکان رابطه منفی معنی دار وجود دارد همچنین آنها درصد واریانس کل مقیاس را ۴۶/۴ و عامل اول ۶/۰۶ و عامل دوم ۸/۵ درصد گزارش دادند. در پژوهش **آریاپوران (۱۳۹۴)** میزان آلفای کرونباخ این مقیاس برای عامل آگاهی ضعیف هیجانی ۰/۷۷ و بی میلی در ابراز هیجان ۰/۷۹ گزارش شد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه توسط ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ محاسبه شد.

### ۲-۳. روند اجرای پژوهش

پس از اخذ مجوزهای لازم از آموزش و پرورش منطقه ۳ تهران و مدارس منتخب، غربالگری و تشخیص دانش آموزان دانش آموزان دارای ضعف در ابرازگری هیجانی با همکاری مشاوران و معلمان مربوطه انجام شد. سپس کودکان ۹ تا ۱۲ ساله انتخاب شده (۴۰ کودک) به شیوه تصادفی در گروه های آزمایش و گواه گمارده شدند (۲۰ کودک در گروه آزمایش و ۲۰ کودک در گروه گواه). کودکان حاضر در گروه آزمایش مداخلات آموزشی مربوط به آموزش فلسفه به کودکان (۸ جلسه ۷۵ دقیقه ای) را به صورت هفته ای یک جلسه را در طی ۸ هفته دریافت نمودند. این در حالی است که کودکان حاضر در گروه گواه هیچگونه مداخله ای را در طول پژوهش دریافت نکردند. پس از شروع مداخله تعداد ۲ کودک در گروه آزمایش و ۳ کودک در گروه گواه از ادامه حضور در پژوهش انصراف دادند. بر این اساس تعداد ۳۵ کودک در پژوهش باقی ماندند (۱۸ کودک در گروه آزمایش و ۱۷ کودک در گروه گواه). در پژوهش حاضر از پروتکل جلسات آموزش فلسفه به کودکان استفاده شد که این جلسات برگرفته از پروتکل **نویدیان و همکاران (۱۴۰۰)** بود. در پژوهش **نویدیان و همکاران (۱۴۰۰)** اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر انعطاف پذیری روان شناختی کودکان مورد بررسی و روایی محتوایی و اجرایی آن مورد تایید قرار گرفته است. در پژوهش حاضر نیز روایی محتوایی پروتکل آموزش فلسفه به کودکان توسط ۵ متخصص روان شناسی کودک مورد بررسی و تایید قرار گرفت.

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزش فلسفه به کودکان (نویدیان و همکاران، ۱۴۰۰)

جلسه	هدف	شرح جلسه
جلسه اول	آشنایی و معارفه	آشنایی و معارفه، بیان مقررات و قوانین گروه، توضیحات اولیه و ساده برای معرفی آموزش فلسفه، چیدمان کلاس به شکل دایره وار، جدول زمان بندی و لیست جلسات آینده.
جلسه دوم	آماده سازی ذهنی کودکان با چالش های تحصیلی موجود	بررسی چالش کودکان در محیط تحصیلی، عوامل موثر بر عملکرد اجتماعی کودکان از دید خود آنان، بررسی پیشنهادات مبنی بر بهبود عملکرد اجتماعی و به بحث نهادن آن از طرف معلم به عنوان تسهیل گر. در این جلسه کودکان با راهنمایی معلم دیدگاهی نقادانه نسبت به چالش های محیط تحصیلی و عملکرد اجتماعی در آن اتخاذ

1. Emotion Expression Scale for Children
2. Penza-Clyve, Zeman
3. Poor awareness factor
4. Expressive reluctance factor

نمودند تا بتوانند با دیدگاهی نقادانه که برگرفته از مبانی آموزش فلسفه به کودکان است، نسبت به این موضوعات بنگرند. ارائه تکلیف خانگی مبنی بر یادداشت موانع عملکرد اجتماعی کودک.		
جلسه سوم	تمرکز بر راهبردهای یادگیری	فراهم نمودن شرایط توسط تسهیل‌گر (معلم) در جهت ارائه راهبردهای خودآگاهی به خصوص خودآگاهی هیجانی از طرف کودکان. بدین صورت که تسهیل‌گر (معلم) تلاش نمود راهبردهای کسب خودآگاهی هیجانی مورد قبول اکثریت را مشخص و سپس یکی از بحث‌های کلاسی را به فرایند اختصاص دهد. در این جلسه تاکید شد سوق دادن تفکر نقادانه به سمت سؤال‌هایی که فراتر از مسئله، رازگونه‌اند و عطف تأمل فلسفی کودکان به رازها و نیازهای وجودی، می‌تواند تجربه‌های فلسفی آن‌ها را بارور سازد. عنصر خودشناسی و خودآگاهی و نسبت آن با گرایش به تفکر فلسفی، از مباحث بسیار مهم در فلسفه به کودکان بود که در این جلسه مورد تاکید معلم قرار گرفت. تکلیف خانگی: در رابطه با روش‌های کسب خودآگاهی هیجانی مورد استفاده در کلاس فکر کرده و نقاط ضعف آن را یادداشت نماید.
جلسه چهارم	آموزش مسائل و قوانین اجتماعی در محیط تحصیلی	در این جلسه تسهیل‌گر (معلم) با ارائه داستان فلسفی "ماجرای رویویی فینگل" تلاش نمود قوانین و مسائل اجتماعی و اخلاقی در محیط تحصیلی را از پردازش شناختی کودکان فراخوانده و آنها را میان کودکان به بحث گذارد. تکلیف خانگی: یادداشت مهم‌ترین قوانین اخلاقی و اجتماعی مطرح شده در محیط تحصیلی.
جلسه پنجم	تسلط راهبردهای یادگیری	در این جلسه تسهیل‌گر (معلم) تلاش نمود ایده‌های کودکان را مبنی بر تسلط بر راهبردهای کسب خودآگاهی هیجانی مورد شناسایی و بحث قرار دهد. تسهیل‌گر (معلم) در کنار بررسی ایده‌های دانش‌آموزان تلاش نمود از روش یادگیری کاهنده بهره برد. تکلیف خانگی: تمرین در جهت تسلط بر راهبردهای کسب خودآگاهی هیجانی
جلسه ششم	آشنایی با خودآزمایی، سازماندهی و نظارت	تسهیل‌گر (معلم) جلسه را با این سؤال آغاز کرد: چگونه می‌توان بر فعالیت‌های خود نظارت و اخلاقی بودن و یا نبودن آن را ارزیابی نمود؟ کودکان با مشارکت در بحث روش‌های خودنظارتی و خودآزمایی را تصریح نمودند. سپس تسهیل‌گر (معلم) با جمع‌بندی این مباحث و با بهره بردن از روش‌های ارائه شده کودکان، فرایندهای خودنظارتی، خودآزمایی و سازماندهی رفتاری و اخلاقی را با ارائه یک درس آموزش داد. تکلیف خانگی: یادگیری اصول اخلاقی و رفتارهای اخلاقی با استفاده از روش خودنظارتی و خودآزمایی.
جلسه هفتم	آموزش ارزش‌ها	در این جلسه تسهیل‌گر (معلم) از کودکان خواست تا موارد بالرش در زندگی خود را بیان نمایند. سپس رفتارهای اخلاق مدارانه در محیط تحصیلی به عنوان یکی از ارزش‌های مورد اشاره کودکان مورد تصریح قرار گرفت. تکلیف خانگی: تمرکز بر یادگیری اصول اخلاقی با در نظر گرفتن رفتارهای اخلاق مدارانه به عنوان یکی از ارزش‌های کودک.
جلسه هشتم	آموزش تفکر آگاهانه	در این جلسه تسهیل‌گر (معلم) از کودکان خواست تا با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند تا فرایند مباحثه و مواجهه فکری برای آنان به صورت امری بديهی درآید. این فرایند باعث شد تا آنان به مرور تفکر آگاهانه را آغاز و شروع به اندیشیدن نمایند. تکلیف خانگی: انجام یک رفتار و یا عملکرد رفتاری با بکارگیری آگاهی در لحظه.

#### ۴-۲. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در سطح آمار توصیفی، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی، آزمون شاپیرو-ویلک<sup>۱</sup> برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها (حد بهینه بیشتر از ۰/۰۵)، آزمون لوین<sup>۲</sup> برای بررسی برابری واریانس‌ها (بهینه) برای بررسی فرضیه کروی بودن داده‌های تحقیق با استفاده از تحلیل مولجلی<sup>۳</sup> (حد بهینه بیشتر از ۰/۰۵) و برای آزمون فرضیه‌ها از تحلیل واریانس آمیخته<sup>۴</sup> و آزمون تعقیبی بونفرونی<sup>۵</sup> استفاده شد. نتایج آماری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-23 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

#### ۳. یافته‌ها

1. Shapiro-Wilk test
2. Levine test
3. Mauchly's Test
4. Mixed variance analysis
5. Bonferroni follow-up test

### ۳-۱. توصیف جمعیت شناختی

یافته‌های حاصل از داده‌های دموگرافیک نشان داد که کودکان حاضر در پژوهش دارای دامنه سنی ۹ تا ۱۲ سال بودند که در گروه آزمایش میانگین و انحراف استاندارد سن دانش‌آموزان  $10/54 \pm 1/07$  و در گروه گواه  $11/22 \pm 1/11$  سال بود. همچنین در گروه آزمایش تعداد ۱۱ دانش‌آموز پسر (معادل ۶۱/۱۱ درصد) و ۷ دانش‌آموز دختر (معادل ۳۸/۸۹ درصد) بودند. در گروه گواه نیز تعداد ۱۱ دانش‌آموز پسر (معادل ۶۴/۷۰ درصد) و ۶ دانش‌آموز دختر (معادل ۳۵/۳۰ درصد) بودند.

### ۳-۲. شاخص‌های توصیفی

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای وابسته پژوهش در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری، به تفکیک دو گروه آزمایش و کنترل در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی در دو گروه آزمایش و کنترل

مولفه‌ها	گروه‌ها	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
خودآگاهی	گروه آزمایش	۹۶/۲۲	۱۷/۴۹	۱۰۶/۱۱	۱۶/۲۸	۱۰۴/۳۳	۱۸/۳۴
هیجانی	گروه کنترل	۹۲/۹۴	۱۱/۹۷	۹۲/۲۹	۱۱/۶۲	۹۲	۱۱/۹۱
گروه آزمایش		۶۲/۲۷	۸/۰۲	۷۲/۰۵	۱۲/۶۳	۷۱	۱۲/۲۲
رشد اخلاقی	گروه کنترل	۶۰/۴۷	۸/۱۰	۵۹/۷۰	۷/۷۳	۶۰	۷/۶۹

### ۳-۳. بررسی پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک

قبل از ارزیابی فرضیه‌های تحقیق به وسیله تحلیل آزمون واریانس آمیخته، نیاز بود که پیش‌فرض‌های پارامتریک (آزمون شاپیرو-ویلک، آزمون لوین و آزمون موچلی) ارزیابی و مورد بررسی قرار گیرند. بر همین اساس یافته مربوط به آزمون شاپیرو ویلک حاکی از آن بود که در در متغیرهای خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی در گروه کودکان ۹ تا ۱۲ سال، پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها در سه مرحله سنجشی (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) رعایت شده است ( $p > 0/05$ ). همچنین نتایج آزمون لوین مبنی بر عدم معناداری، پژوهشگر را به این نتیجه رساند که پیش‌فرض همگنی واریانس در دو متغیر خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی در در گروه کودکان ۹ تا ۱۲ سال رعایت شده است ( $p > 0/05$ ). این در حالی است که یافته مربوط به آزمون موچلی نشان داد که پیش‌فرض کرویت داده‌ها به عنوان پیش‌فرض اختصاصی آزمون تحلیل واریانس آمیخته در خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی در گروه کودکان ۹ تا ۱۲ سال رعایت شده است ( $p > 0/05$ ).

### ۳-۴. آزمون فرضیه‌ها

جدول ۳. تحلیل واریانس آمیخته جهت بررسی تاثیرات درون و بین گروهی برای متغیرهای خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی

متغیرها	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار f	مقدار p	اندازه اثر	توان آزمون
مراحل	۴۱۱/۲۴	۱/۶۸	۲۴۴/۷۹	۲۹/۹۵	۰/۰۰۱	۰/۴۸	۱
خودآگاهی	۲۵۲۴/۳۷	۱	۲۵۲۴/۳۷	۲۵/۸۳	۰/۰۰۱	۰/۴۵	۱
هیجانی	۵۶۸/۷۲	۱/۶۸	۳۳۸/۵۴	۴۱/۴۳	۰/۰۰۱	۰/۵۶	۱
خطا	۴۵۳	۵۵/۴۳	۸/۱۷				

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار f	مقدار p	اندازه اثر	توان آزمون
مراحل	۴۳۶/۸۶	۱/۱۰	۳۹۶/۹۶	۴۰/۶۳	۰/۰۰۰۱	۰/۵۵	۱
رشد گروه بندی	۱۸۴۴/۳۵	۱	۱۸۴۴/۳۵	۲۹/۶۰	۰/۰۰۰۱	۰/۴۸	۱
اخلاقی تعامل مراحل و گروه بندی	۵۷۵/۴۹	۱/۱۰	۵۲۲/۹۳	۵۲/۵۲	۰/۰۰۰۱	۰/۶۲	۱
خطا	۳۵۴/۸۳	۳۶/۳۱	۹/۷۷				

نتایج مربوط به آزمون واریانس آمیخته که در جدول ۳ ارائه شده است، بیانگر آن است که بر اساس ضرایب محاسبه شده F، عامل زمان یا مراحل سنجشی اثر معناداری بر نمرات متغیرهای وابسته پژوهش حاضر (خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال) بر جای نهاده است. اندازه اثر مربوط به این یافته بیانگر آن است که این عامل موثر به ترتیب ۴۸ و ۵۵ درصد از تفاوت در تغییرات نمرات متغیرهای وابسته پژوهش حاضر (خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال) را تبیین می نماید. همچنین بر اساس مقدار F به دست آمده، اثر مداخله بکار گرفته شده در پژوهش حاضر (آموزش فلسفه به کودکان) فارغ از در نظر گرفتن اثر مراحل، بر نمرات متغیرهای وابسته پژوهش حاضر (خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال) معنادار بوده است. بنابراین این چنین می توان نتیجه گرفت که مداخله بکار گرفته شده در پژوهش حاضر (آموزش فلسفه به کودکان) هم بر متغیرهای وابسته پژوهش حاضر (خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال) اثر معنادار داشته است. اندازه اثر به دست آمده در جدول ۳ نشان می دهد مداخله بکار گرفته شده در پژوهش حاضر (آموزش فلسفه به کودکان) به ترتیب ۴۵ و ۴۸ درصد از تفاوت این دو متغیر وابسته را می تواند تبیین کند. در نهایت یافته های جدول ۳ نشان می دهد که اثر متقابل و تعاملی مداخله بکار گرفته شده در پژوهش حاضر (آموزش فلسفه به کودکان) و عامل زمان یا مراحل سنجشی هم بر نمرات متغیرهای وابسته پژوهش حاضر (خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال) معنادار بوده است. بنا بر این یافته ها مداخله بکار گرفته شده در پژوهش حاضر (آموزش فلسفه به کودکان) در مراحل مختلف سنجشی هم بر متغیرهای وابسته پژوهش حاضر (خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال) به میزان ۵۶ و ۶۲ درصد اثر معنادار نهاده است. توان آماری کسب شده نیز در جدول ۳، حاکی از آن است که دقت آماری بالا و کفایت حجم نمونه در این پژوهش برآورده شده است. حال در ادامه در جدول ۴ مقایسه زوجی میانگین نمرات متغیرهای وابسته پژوهش حاضر (خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال) بر حسب مراحل سنجشی ارائه می شود.

جدول ۴. مقایسه زوجی میانگین نمرات خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی آزمودنی ها بر حسب مرحله ارزیابی

متغیر	مرحله مینا (میانگین)	مرحله مورد مقایسه (میانگین)	تفاوت میانگین ها	خطای انحراف معیار	معناداری
خودآگاهی هیجانی	پیش آزمون	پس آزمون	-۴/۶۲	۰/۷۱	۰/۰۰۰۱
	پیش آزمون	پیگیری	-۳/۵۸	۰/۶۷	۰/۰۰۰۱
	پس آزمون	پیگیری	۴/۶۲	۰/۷۱	۰/۰۰۰۱
	پس آزمون	پیگیری	۱/۰۳	۰/۴۷	۰/۱۱
رشد اخلاقی	پیش آزمون	پس آزمون	-۴/۵۰	۰/۶۹	۰/۰۰۰۱
	پیش آزمون	پیگیری	-۴/۱۲	۰/۶۴	۰/۰۰۰۱
	پس آزمون	پیگیری	۴/۵۰	۰/۶۹	۰/۰۰۰۱
	پس آزمون	پیگیری	۰/۳۸	۰/۱۸	۰/۱۲

همانگونه که یافته های مربوطه در جدول ۴ قابل مشاهده است، بین میانگین نمرات مراحل سنجشی پژوهش حاضر (پیش آزمون با پس آزمون و پیگیری) در متغیرهای وابسته پژوهش حاضر (خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال) تفاوت

معنادار حاکم است. این یافته بیانگر این معناست که مداخله بکار گرفته شده در پژوهش حاضر (آموزش فلسفه به کودکان) قادر بوده است به شکلی معنادار نمرات مراحل سنجشی پس‌آزمون و پیگیری متغیرهای وابسته پژوهش حاضر (خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال) را نسبت به مرحله سنجشی پیش‌آزمون یا تغییر مواجه سازد. یافته دیگر این جدول (جدول شماره ۴) حاکی از آن بود که بین میانگین نمرات مراحل سنجشی پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معنادار به وجود نیامده است. این یافته را اینگونه می‌توان جمع‌بندی نمود که نمرات متغیرهای وابسته پژوهش حاضر (خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال) که در مرحله سنجشی پس‌آزمون با تغییر معنادار مواجه شده بود، توانسته این تفاوت و تغییر کسب شده را در طول دوره سنجشی پیگیری نیز محفوظ دارد. در یک جمع‌بندی پایانی از جدول شماره ۴ می‌توان گفت مداخله بکار گرفته شده در پژوهش حاضر (آموزش فلسفه به کودکان) توانسته منجر به تغییر معنادار میانگین نمرات متغیرهای وابسته پژوهش حاضر (خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال) در مرحله سنجشی پس‌آزمون گردیده و این اثر معنادار در مرحله سنجشی پیگیری نیز ثابت و قوام خود را محفوظ داشته است.

#### ۴. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال انجام شد. نتایج نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان بر خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله تأثیر داشته و توانسته است خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی این کودکان را بهبود بخشد. اولین یافته پژوهش حاضر که اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خودآگاهی هیجانی و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله است، با نتایج پژوهش قبلی همسو شد. همانطور که [شیرزادی و همکاران \(۱۴۰۰\)](#) دریافتند که آموزش فلسفه به کودکان بر هنجارگریزی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان پسر موثر است. [لام \(۲۰۲۲\)](#) دریافت که آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان در کاهش مشکلات رفتاری و عاطفی کودکان موثر است. در تبیین یافته حاضر مبنی بر اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خودآگاهی هیجانی کودکان ۹ تا ۱۲ سال باید گفت پرورش تفکر فلسفی زمینه رشد و پرورش تفکر استدلالی را برای کودکان فراهم می‌آورد. این امر از این رو است که تفکر فلسفی، نحوه استدلال کردن را به کودکان نشان می‌دهد و کودکان را از این نظر پرورش می‌دهد ([شیرزادی و همکاران، ۱۴۰۰](#)). بنابراین کودکان با آموزش مهارت تفکر و استدلال، به شکل عمیق‌تری درباره فرایندها و پردازش‌های شناختی، هیجانی و اخلاقی خود اندیشیده و تلاش می‌کنند رفتارهای فردی و اجتماعی سازنده‌تری را از خود به نمایش گذاشته و با بهره بردن از پردازش هیجانی کارآمدتر، خودآگاهی هیجانی بالاتری را نیز تجربه کنند. در تبیینی دیگر باید گفت که در این روش کودک فضای آموزشی را جایی برای پژوهش درباره سؤالات ذهنی خود و آزمون اندیشه‌ها و باورهایش می‌بیند. آموزش فلسفه برای کودکان باعث می‌شود فضای مقتدرانه کلاس به حلقه‌های کندوکاو فکری فلسفی برای ترویج دموکراسی و استقلال فکری در کودکان تبدیل شود ([لام، ۲۰۲۲](#)). بنابراین برنامه آموزش فلسفه، کودکان را قادر می‌سازد تا بین موضوعات مختلفی که می‌آموزند، ارتباط برقرار کنند؛ مهارت‌های همکاری و مهارت‌های تفکر را رشد و پرورش دهند، ارتباطات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر را برعهده گیرند، قدرت تفکر استدلالی و انتزاعی را در خود افزایش دهند. بر پایه مفاهیم کسب شده مبنی بر احساس مسئولیت روانی و هیجانی، می‌توان انتظار داشت این کودکان نسبت به دیگر کودکان و همسالان احساس مسئولیت اجتماعی بالاتری را ادراک نموده و در نتیجه تلاش نمایند در تعاملات خود با دیگران تعاملات هیجانی سازنده‌تری را از خود نشان داده و در نتیجه خودآگاهی هیجانی بیشتری را نیز تجربه کنند.

دومین یافته پژوهش حاضر مبنی بر اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله با نتایج و یافته‌های قبلی همخوانی دارد. همانطور که [نویدیان و همکاران \(۱۴۰۰\)](#) نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان بر انعطاف‌پذیری روانی دانش‌آموزان دبستانی موثر است، از سوی دیگر، [دهقان منشادی و همکاران \(۱۴۰۰\)](#) نیز گزارش داده‌اند که آموزش

خودکنترلی در راه فلسفه به کودکان دارای خودکنترلی در پایه دوم ابتدایی مؤثر است. مالبوئف- هارتایس (۲۰۲۱) گزارش کردند که آموزش فلسفه به کودکان منجر به بهبود سلامت روان کودکان دبستانی می‌شود.

در تبیین یافته حاضر مبنی بر اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر رشد اخلاقی کودکان باید بیان نمود که همان‌طور که جهان از عصر صنعتی به عصر اطلاعات قدم می‌نهد وابستگی مردم به مهارت‌های ناظر به امور واقع کمتر شده و در عوض وابستگی آنها به مهارت و توانایی سازماندهی و پردازش اطلاعات بیشتر می‌شود. این مهارت‌های مربوط به سطوح عالی‌تر تفکر، بایستی در مدارس آموزش داده شوند؛ بنابراین نیاز ما در عصر اطلاعات بیش از آن که به حجم اطلاعات باشد مربوط به تناسب اطلاعات و مهارت‌های ذکر شده است که این مهارت‌ها مستلزم داشتن ذهنی فلسفی است (دهقان منشادی و همکاران، ۱۴۰۰). چنانکه برنامه آموزش فلسفه به کودکان تأثیرات معناداری بر روی رشد و پرورش مهارت‌های تفکر، قوه استدلال و قضاوت صحیح کودکان دارد. بر این اساس با برنامه آموزش فلسفه برای کودکان می‌توان کودکانی پرورش داد که نقاد و خلاق هستند و اینها مستلزم تعقل و قضاوت است. حال پرورش تعقل و قدرت قضاوت صحیح در کودکان باعث می‌شود تا آنان بتوانند تفکر، ادراک، سازماندهی و برنامه‌ریزی شناختی بالاتری را تجربه نموده و در نتیجه رشد اخلاقی بیشتری را نیز تجربه نمایند. در تبیینی دیگر باید گفت این برنامه یکی از برنامه‌های آموزشی است که مورد توجه بسیاری دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کودک قرار گرفته است، زیرا عقیده بر این است که داستان‌ها می‌توانند مهارت شناختی و توانایی پرسشگری و درک کودک را بالا برده و در نتیجه او را به ارزیابی استدلال‌ها، درک روابط علت و معلولی، کشف و تحلیل مفاهیم و همچنین نتیجه‌گیری درست از رویدادها یاری کنند (مالبوئف- هارتایس و همکاران، ۲۰۲۱). با دقت در این مفاهیم مشخص می‌شود که آموزش فلسفه کودکان را نسبت به ادراک سطح بالاتر، کسب روابط علی و معلولی پدیده‌های محیطی و نتیجه‌گیری درست یاری رسانده و از این طریق کودکان در محیط اجتماعی و خانوادگی توانمندی درونی بالاتری را ادراک نموده و از این طریق رشد اخلاقی آنان نیز بهبود می‌یابد. در تبیینی دیگر می‌توان گفت کودکان با کند و کاو مشترک یاد می‌گیرند به سخنان همسالان خود گوش دهند و به نظر آنان احترام بگذارند. همچنین می‌آموزند که برای بسیاری از پرسش‌های فلسفی جواب معین، و مطلقاً درست یا غلط وجود ندارد و در نتیجه یاد می‌گیرند که جزم‌اندیشی را زیر سوال برده، فرضیه‌ها را به چالش بکشند و استدلال‌ها را بیازمایند (نوبیدیان و همکاران، ۱۴۰۰). این روند سبب می‌شود تا کودکان با دریافت شیوه آموزشی فلسفی دیگران، نگران به چالش کشیده شدن مفاهیم مورد قبول خود نباشند، چرا که آموختند که مفاهیم را می‌توان به نقد کشید و فرضیه‌های مختلف را به بوته آزمایش نهاد. این روند قدرت قضاوت اخلاقی و بینشی را در کودکان ارتقا داده و سبب بهبود رشد اخلاقی آنان می‌شود.

پژوهش حاضر مانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی از جمله محدودیت جمعیت مورد مطالعه دانش‌آموزان پایه چهارم، پنجم و ششم دوره ابتدایی منطقه ۳ شهر تهران، عدم کنترل و تفکیک اثر متغیرهای شخصیتی، اجتماعی، مدرسه‌ای و خانوادگی مؤثر بر خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال و عدم استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی همراه بود. بر اساس محدودیت‌های عنوان شده در پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش تعمیم‌پذیری نتایج، در سطح پیشنهادات تحقیق، این تحقیق بر روی سایر گروه‌های سنی و سایر شهرها، مناطق و جوامع با فرهنگ‌های مختلف، دیگر دانش‌آموزان با آسیب روانی و شناختی همانند دانش‌آموزان با علائم اضطراب، افسردگی، استرس، اضطراب جدایی و ... انجام شود. با توجه به اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خودآگاهی هیجانی و رشد اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال، در سطح عملی پیشنهاد می‌شود مسئولان آموزش و پرورش با فعال کردن مشاوران مدارس، متخصصان، و روان‌شناسان تربیتی در مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناسی سه مقوله خودآگاهی هیجانی، رشد اخلاقی و قدرت تفکر فلسفی دانش‌آموزان دوره ابتدایی را بررسی نموده و با آموزش مشاوران و روان‌شناسان در مراکز مربوطه و استفاده از معلمان و ترغیب آنان به استفاده از آموزش فلسفه به کودکان در جهت ارتقای‌های مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی اقدام لازم را انجام دهند.

## ۵. تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی نویسنده اول مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن بود. بدین وسیله از تمام کودکان حاضر در پژوهش، والدین آنان و مسئولین مدارس فعال در پژوهش حاضر که همکاری کاملی جهت اجرای پژوهش داشتند، قدردانی به عمل می‌آید.

## ۶. ملاحظات اخلاقی

به منظور رعایت اخلاق تحقیق، رضایت کودکان ۹ تا ۱۲ سال حاضر در پژوهش و والدین آنان برای شرکت در برنامه مداخله اخذ شد و تمامی مراحل انجام پژوهش اطلاع رسانی شد. همچنین به کودکان حاضر در گروه گواه و والدین آنان اطمینان داده شد که پس از تکمیل فرآیند تحقیق، می‌توانند مداخله حاضر را دریافت نمایند. همچنین به کودکان حاضر در هر دو گروه آزمایش و گواه اطمینان داده شد که اطلاعات آنها محرمانه خواهد بود و نیازی به ذکر نام نیست.

## ۷. حمایت مالی

هیچ سازمان دولتی و خصوصی از این پژوهش حمایت مالی نکرده است.

## ۸. تعارض منافع

در این پژوهش هیچ تعارض منافی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

## منابع

- امینی مقدم، ی.، رضایی، ع.م.، و مکوند حسینی، ش. (۱۳۹۷). ساخت و اعتباریابی مقیاس هوش اخلاقی کودکان مبتنی بر نظریه بوربا. *فصلنامه اندازمگیری تربیتی*، ۹(۳۴)، ۲۷-۴۵. <https://doi.org/10.22054/jem.10.22054.1903.1903.4803.19>
- آریاپوران، س. (۱۳۹۴). مقایسه ابراز هیجان، سواد هیجانی و خودکارآمدی اجتماعی در کودکان با و بدون ناتوانی‌های یادگیری، *مجله ناتوانی‌های یادگیری*، ۵(۲)، ۷-۲۶. <https://jild.uma.ac.ir/article.html%۳۸۹>
- پورسید، س.، و پورسید، س. (۱۴۰۰). ارتباط هوش اخلاقی با سلامت روان در دانشجویان. *اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۶(۱)، ۱۵۴-۱۵۱. <http://ethicsjournal.ir/article-1۲۱۸۲۱-fa.html>
- تربتی‌نژاد، ح.، قاسمپور، ص.، و طاهونه بان گل خطمی، س. (۱۴۰۰). اثر بخشی قصه گویی بر میزان هوش اخلاقی و گنجینه لغات دانش‌آموزان پایه دوم دبستان. *پویش در آموزش علوم تربیتی و مشاوره*، ۷(۱۵)، ۱۰۵-۱۲۳. <https://dori.net/dor/20.1001.1.26765500.1400.3.5.4.6>
- دهقان منشادی، م.، شفیعی، ف.، و همتی، ح. (۱۴۰۰). تأثیر آموزش خویشتن‌داری به شیوه فلسفه برای کودکان بر خودکنترلی دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی شهر یزد. *دوفصلنامه پژوهش در آموزش ابتدایی*، ۳(۵)، ۳۸-۵۰. <https://dori.net/dor/20.1001.1.26765500.1400.3.5.4.6>
- شیرزادی، م.م.، بیاتی، ش.، بدافی، آ.، و بابادی عکاشه، ن. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر هنجارگریزی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی شهر بروجن. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۰(۹۸)، ۲۹۵-۳۰۴. <http://psychologicalscience.ir/article-1-865-fa.html>
- کافی‌نیا، ف.، و فرهادی، ه. (۱۳۹۹). اثربخشی درمان شناختی رفتاری گروهی بر خودآگاهی هیجانی و توانش حل مسأله دانش‌آموزان دارای اعتیاد به اینترنت. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۹(۸۵)، ۱۱۱-۱۲۰. <http://psychologicalscience.ir/article-1-344-fa.html>
- لطف‌آبادی، ح.، نوروزی، و.، حجت‌زاده، ف.، حسینی، ن.، هداوندخانی، ف.، تیریزی، س.، سالاری، ه.، قلخانی، ز.، عبدالمحمیدی، ک.، و جهانبخش اصلی، ن. (۱۳۹۰). *نظریه پرداززی و آزمون‌سازی برای سنجش رشد اخلاقی کودکان، نوجوانان و جوانان*. طرح پژوهشی مشترک موسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش و دانشگاه شهید بهشتی.
- مهنا، س.، و طالع پسند، س. (۱۳۹۵). رابطه بین حمایت‌های محیطی و خودآگاهی هیجانی با درگیری تحصیلی با نقش میانجی بهزیستی تحصیلی، *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۶(۴)، ۳۱-۴۲. <http://ijme.mui.ac.ir/article-1-3795-fa.html>

- نویدیان، ا.، واحدی، ش.، بدری گرگری، ر.، و فتحی آذر، ا. (۱۴۰۰). تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان ابتدایی با رویکرد مبتنی بر زمینه فرهنگی. *پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۲(۲)، ۲۶۵-۲۸۲. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22518126.1400.12.2.15.8>
- Amini moghadam, Y., Rezaei, A., & Makvand hoseyni, S.H. (2019). preparation and standardization the moral intelligence of children questionnaire based on Borba's theory. *Quarterly of Educational Measurement*, 9(34), 27-45. <https://doi.org/10.22054/jem.2019.40348.1903> (In Persian)
- Ariapooran, S. (2016). Comparing the emotion expression, emotional literacy and social self-efficacy in children with and without learning disabilities. *Quarterly Journal of Learning Disabilities Statute*, 5(2), 7-26. [https://jld.uma.ac.ir/article\\_389.html?lang=en](https://jld.uma.ac.ir/article_389.html?lang=en) (In Persian)
- Baroncelli, A., Roti, B., & Ciucci, R. (2018). The associations between callous-unemotional traits and emotional awareness in youth. *Personality and Individual Differences*, 120, 247-252. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.07.036>
- Borowski, S.K., Spiekerman, A.M., & Rose, A.J. (2023). The role of gender in the friendships of children and adolescents. *Encyclopedia of Child and Adolescent Health*, 3, 94-103. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-818872-9.00044-3> (In Persian)
- Dehghan Manshadi, M., Shafiee, F., & Hemati, H. (2022). The effectiveness of self-care education on children's philosophy on self-control of second grade elementary students in Yazd. *Research in Elementary Education*, 3(5), 38-50. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26765500.1400.3.5.4.6>
- Gholami Motlagh, F., Nobahar, M., & Raiesdana, N. (2020). The relationship of moral intelligence and social capital with job satisfaction among nurses working in the emergency department. *International Emergency Nursing*, 52, 1009-1014. <https://doi.org/10.1016/j.ienj.2020.100911>
- Grant, A. M., Franklin, J., & Langford, P. (2002). The Self-Reflection and Insight Scale: a new measure of private self-consciousness. *Social Behavior and Personality*, 30, 821-836. <https://doi.org/10.2224/sbp.2002.30.8.821>
- Huggins, C.F., Donnan, G., Cameron, I.M., & Williams, J.H.G. (2020). A systematic review of how emotional self-awareness is defined and measured when comparing autistic and non-autistic groups. *Research in Autism Spectrum Disorders*, 77, 1016-1021. <https://doi.org/10.1016/j.rasd.2020.101612>
- Humberto, M., Moura, F., & Giannotti, M. (2022). Incorporating children's views and perceptions about urban mobility: Implementation of the "philosophy with children" inquiry approach with young children. *Travel Behaviour and Society*, 26, 168-177. <https://doi.org/10.1016/j.tbs.2021.10.003>
- Isiklar, S., & Ozturk, Y.A. (2021). The Effect of Philosophy for Children (P4C) Curriculum on Critical Thinking through Philosophical Inquiry and Problem Solving Skills. *International Journal of Contemporary Educational Research*, 114, 541-545. <https://eric.ed.gov/?id=EJ1340272>
- Jensen, S.S. (2023). The Impact of Philosophy with Children from the Perspective of Teachers. *Educational Studies*, 49(2), 388-401. <https://doi.org/10.1080/03055698.2020.1871323> (In Persian)
- Kafi Nia, F., & Farhadi, H. (2020). The effectiveness of group cognitive - behavioral therapy on emotional self - awareness and problem - solving skill of students with internet addiction. *Journal of Psychological Science*. 19(85), 111-120. <http://psychologicalscience.ir/article-1-344-fa.html> (In Persian)
- Lam, C. (2022). A Philosophy for Children Approach to Professional Development of Teachers. *Cambridge Journal of Education*, 16, 124-128. <https://doi.org/10.1080/0305764X.2022.2056143>
- Lee, S.W., Won, S., & Jeong, B.(2019). Moderating effect of emotional awareness on the association between maltreatment experiences and resilience. *Personality and Individual Differences*, 148, 38-44. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.05.037>
- Lotfabad, H., Norozi, V., Hojatzadeh, F., Hosseini, N., Hodavandkhani, F., Tabrizi, S., Salari, H., Qolkhani, Z., Abdul Mohammadi, K., & Jahanbakhsh Asli, N. (2011). *Theorizing and testing*

- to measure the moral development of children, teenagers and young people. A joint research project of the Research Institute of Curriculum Planning and Educational Innovations of the Ministry of Education and Shahid Beheshti University. (In Persian)
- Malboeuf-Hurtubise, C., Léger-Goodes, T., Mageau, G.A., Joussemet, M., Herba, C., Chadi, N., Lefrançois, D., Camden, C., Bussièrès, E., Taylor, G., Éthier, M., & Gagnon, M. (2021). Philosophy for children and mindfulness during COVID-19: Results from a randomized cluster trial and impact on mental health in elementary school students. *Progress in Neuro-Psychopharmacology and Biological Psychiatry*, 107, 110-115. <https://doi.org/10.1016/j.pnpbp.2021.110260>
- Mei, S., Kaur, A., Yang, A., Xu, K., Wu, W., Zheng, T., Ying, L., Zou, Y., Ji, Z., Ye, Y., & Chen, L. (2023). Development and validation of the sources of parental anxiety in children's education scale. *Studies in Educational Evaluation*, 76, 1012-1016. <https://doi.org/10.1016/j.stueduc.2022.101231> (In Persian)
- Mohanna, S., & Talepasand, S. (2016). The Relationship between Environmental Supports and Emotional Self-awareness with Academic Engagement: the Mediating role of Educational Well-being. *Iranian Journal of Medical Education*, 16(4), 31-42. <http://ijme.mui.ac.ir/article-1-3795-fa.html>
- Navidian, A., Vahedi, S., Badri Gargary, R., & Fathi Azar, E. (2021). The Impact of Teaching Philosophy Children at Psychological Flexibility at Elementary Students with a Cultural Based Approach. *Journal of Applied Psychological Research*, 12(2), 265-282. (In Persian) <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22518126.1400.12.2.15.8>
- Özdemir, C., Düzgün, M.V., Karazeybek, E., & Dalgıç, A.I. (2022). The effect of a video-assisted operating room promotion program on the anxiety levels of parents and their children: A randomized controlled trial protocol. *Journal of Pediatric Nursing*, 67, 150-155. <https://doi.org/10.1016/j.pedn.2022.08.006>
- Penza-Cliyve, S., & Zeman, J. (2002). Initial Validation of Emotion Expression Scale for Children (EESC). *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 31(4), 540-547. [https://doi.org/10.1207/S15374424JCCP3104\\_12](https://doi.org/10.1207/S15374424JCCP3104_12)
- Pourseyyed, S., & Pourseyyed, S. (2021). The Relationship between Ethical Intelligence and Mental Health in Students. *Ethics in Science and Technology*, 16(1), 151-154. (In Persian) <http://ethicsjournal.ir/article-1-2182-fa.htm>
- Pourteimour, S., Nobahar, M., & Raiesdana, N. (2021). Moral intelligence, clinical placement experience and professional behaviors among Iranian undergraduate nursing students in a baccalaureate nursing program: A descriptive correlational study. *Nurse Education in Practice*, 55, 1031-1034. <https://doi.org/10.1016/j.nepr.2021.103146>
- Shuai, J., Tian, G., Cui, Y., Zhou, F., Yang, W., Ma, Y., Deng, Z., & Wang, Q. (2023). Associations between family support, loneliness, and underlying depression among children and adolescents in the China family panel studies: A mediation analysis. *Journal of Affective Disorders*, 327, 397-403. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2023.02.037>
- Sun, J., Liu, Q., & Yu, S. (2019). Child neglect, psychological abuse and smartphone addiction among Chinese adolescents: The roles of emotional intelligence and coping style. *Computers in Human Behavior*, 90, 74-83. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2018.08.032>
- Torbatinezgad, H., Ghasempoor, S., & Tahooneban Gol Khatmi, S. (2021). The effectiveness of storytelling on the level of moral intelligence and vocabulary of second grade students. *Quarterly Journal of "Pouyesh in education and consultation*, 7(15), 105-123. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.2783154.1400.1400.15.6.9> (In Persian)
- Vallis, E.H., Zwicker, A., Uher, R., & Pavlova, B. (2020). Cognitive-behavioural interventions for prevention and treatment of anxiety in young children: A systematic review and meta-analysis. *Clinical Psychology Review*, 81, 1019-1024. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2020.101904>

Wang, X., Young, G.W., Plechatá, A., Mc Guckin, C., & Makransky, G. (2023). Utilizing virtual reality to assist social competence education and social support for children from under-represented backgrounds. *Computers & Education*, 201, 1048-1052. <https://doi.org/10.1016/j.compedu.2023.104815>

## The Effectiveness of Teaching Philosophy to Children on Emotional Self-Awareness and Ethical Development of 9-12 Year Old Children

### Abstract

#### Aim

The concern about the mental and moral health of children and its effect on the child's growth and performance has increased day by day. This is despite the fact that the prevalence of diagnosable mental disorders in children has increased significantly in recent years (Wang et al., 2023) and accordingly, experts emphasize the importance of timely evaluation and treatment of psychological disorders (Mei et al., 2023). Because emotional and behavioral patterns are more difficult to change in adulthood, diagnosing mental health problems in childhood as early as possible is one of the preventive issues of public health (Borowski, Spiekerman, Rose, 2023). Childhood is one of the most important stages of life in which a person's personality is established and formed. Most adult behavioral disorders and inconsistencies are caused by the lack of attention to the sensitive period of childhood and the lack of proper guidance in the process of growth and development (Shuai et al., 2023). One of the variables that can play a role in the normal growth and development of children is emotional intelligence and, more specifically, emotional self-awareness (Sun, Liu, Yu, 2019). In addition to paying attention to children's emotional processes, one of the main concepts that researchers and planners in the field of children's normal growth and development are interested in is moral contexts such as Ethical development. According to this the present study was conducted to investigate the effectiveness of teaching philosophy to children on emotional self-awareness and ethical development of 9-12 year old children.

#### Methodology

The current study was a semi-experimental application with a pre-test-post-test design with a control group and a two-month follow-up period. The statistical population of the research included children aged 9 to 12 who were studying in the fourth, fifth and sixth grades of primary school in the academic year of 2022-2023 in Tehran. In this research, 35 children aged 9 to 12 were selected by purposeful sampling and randomly assigned to experimental and control groups (20 children in the experimental group and 20 children in the control group). The children in the experimental group received the intervention of teaching philosophy to children (Navidian et al, 2021) during twelve weeks in twelve 75-minute sessions. After the interventions began, 2 children in the experimental group and 3 children in the control group withdrew from the study, leaving 35 children in the study (18 children in the experimental group and 17 children in the control group). Emotional Expressivity Scale for Children (EESC) (Penza-Clyve, Zeman, 2002), Emotional Self-Awareness Questionnaire (EMSQ) (Grant, Franklin, Langford, 2002) and Ethical Development of Children and Adolescents Questionnaire (EDCAQ) (Lotfabadi et al., 2011) were used in the present study. The data were analyzed through mixed ANOVA via SPSS23 software. The reason for using mixed variance analysis was that in this research there were two experimental and control groups, each of which was measured in three stages (pre-test, post-test and follow-up).

#### Results

The results showed that teaching philosophy to children has significant effect on the emotional self-awareness ( $p < 0.0001$ ,  $\eta^2 = 0.56$ ,  $F = 41.43$ ) and ethical development ( $p < 0.0001$ ,  $\eta^2 = 0.62$ ,  $F = 53.25$ ) in the 9-12 year old children. In this way, this intervention was able to lead to a significant increase in the average scores of emotional self-awareness and ethical development in the 9-12 year old children. These results remained stable in the follow-up phase. These results indicate that the teaching philosophy to children can significantly change the average emotional self-awareness and ethical development in the 9-12 year old children in the two stages of post-test and follow-up.

Table 1. Analysis of mixed variance analysis for examining within and between group effects on emotional self-awareness and ethical development variables.

variables	Sum of Squares	df	Means Square	F	Sig	Partial Eta Squared	Observed Power
-----------	----------------	----	--------------	---	-----	---------------------	----------------

emotional self-awareness	Factor1	411.24	1.68	244.79	29.95	<.0.001	0.48	1
	Groups	2524.37	1	2524.37	25.83	<.0.001	0.45	1
	Factor*group	568.72	1.68	338.54	41.43	<.0.001	0.56	1
	error	453	55.43	8.17				
ethical development	Factor1	436.86	1.10	396.96	40.63	<.0.001	0.55	1
	Groups	1844.35	1	1844.35	29.60	<.0.001	0.48	1
	Factor*group	575.49	1.10	522.39	53.52	<.0.001	0.62	1
	error	354.83	36.31	9.77				

Table 2. Pairwise difference of scores of dependent variables based on assessment stages

variables	Baseline (average)	Comparable stage (average)	Difference in averages	Standard deviation error	Sig
emotional self-awareness	Pre-test	Post-test	-4.62	0.71	0.0001
		Follow-up	-3.58	0.67	0.0001
	Post-test	Pre-test	4.62	0.71	0.0001
		Follow-up	1.03	0.47	0.11`
ethical development	Pre-test	Post-test	-4.50	0.69	0.0001
		Follow-up	-4.12	0.64	0.0001
	Post-test	Pre-test	4.50	0.69	0.0001
		Follow-up	0.38	0.18	0.12

## Conclusion

Based on the findings of the research, it can be concluded that teaching philosophy by introducing students to cooperation and thinking skills, improving communication and social responsibility, developing critical thinking and discovering cognitive and perceptive abilities can be used as an efficient method to improve emotional self-awareness and ethical development of children. As the teaching philosophy program enables children to make connections between the different subjects they learn; Develop cooperation skills and thinking skills, undertake more communication and social responsibility, and increase the power of reasoning and abstract thinking (Humberto, Moura, Giannotti, 2022). Based on the acquired concepts based on the sense of psychological and emotional responsibility, it can be expected that these children will perceive a higher sense of social responsibility than other children and peers, and as a result, they will try to show more constructive emotional interactions in their interactions with others. data and experience more emotional self-awareness as a result. In another explanation, it can be said that children learn to listen to the words of their peers and respect their opinions (Isiklar, Ozturk, 2021). They also learn that there is no right or wrong answer to many philosophical questions, and as a result, they learn to question dogmatism, challenge hypotheses, and test arguments (Jensen, 2023). This process causes children not to worry about their accepted concepts being challenged by receiving the philosophical teaching method of others. Because they learned that concepts can be criticized and different hypotheses can be tested. This process improves the power of moral judgment and insight in children and improves their ethical development.

**Key words:** *Children, Emotional Self-Awareness, Ethical Development, Teaching Philosophy to Children*

## Ethical considerations

In order to comply with the ethics of the research, the consent of the 9-12-year-old children present in the research and their parents to participate in the intervention program was obtained, and all the stages of the research were informed. Also, the children in the control group and their parents were assured that after completing the research process, they can receive the present intervention. Also, the children present in both experimental and control groups were assured that their information will be confidential and there is no need to mention their names.

## Acknowledgments

The present article was taken from the doctoral thesis of the first author of the article at the Islamic Azad University, Rodehen branch. We hereby express our gratitude to all the children present in the research, their parents and the officials of the schools active in the present research who cooperated fully in the implementation of the research.

## Conflict of Interest

No government or private organization has financially supported this research. In this study, no conflict of interest was reported by the authors.

In Press/ Accepted